

## جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد مطالعه: جنبش ایرانی کاوه در شاهنامه فردوسی

سید سعید زاهد زاهدانی<sup>1\*</sup>، مهتا بذرافکن<sup>2</sup>

(تاریخ دریافت: 92/11/20، تاریخ پذیرش: 93/9/8)

### چکیده

ادبیات هر کشوری، به‌ویژه متون ادبی تاریخی، منبع مهمی برای کاوش در ابعاد تاریخی و اجتماعی پدیده‌های اجتماعی است. ادبیات ایران نیز از این حیث، بسیار پربار و بی‌نظیر است. در این میان، شاهنامه فردوسی از جمله اصلی‌ترین منابعی است که زندگی اجتماعی مردم و حاکمیت ایران و دریافت‌های از این زندگی را در بستری تاریخی نشان می‌دهد؛ بدین معنا که شاهنامه فردوسی سرشار از نمودهای اجتماعی است که با آخرین دریافت‌ها از پدیده اجتماعی هم‌خوانی دارد؛ بنابراین با توجه به اهمیت جنبش‌های اجتماعی و دگرگونی‌های به‌دست آورده از آن می‌توان جنبش‌های اجتماعی را با توجه به متون تاریخی - ادبی در بستر نظریه‌های جامعه‌شناختی امروزی تحلیل کرد. در همین مسیر، داستان اسطوره‌ای کاوه و ضحاک در شاهنامه یکی از نمودهای بارز یک جنبش اجتماعی به‌شمار می‌آید که مقاله حاضر کوشیده است آنرا با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناختی جنبش‌های اجتماعی، تحلیل کند؛ بدین منظور با

1. دانشیار، جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران zahedani@shirazu.ac.ir\*

2. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

استفاده از روش تحقیق کیفی و تکنیک محاکات<sup>1</sup> متن شاهنامه به‌عنوان داده مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین بازنمایی اجتماعی این جنبش تاریخی - اسطوره‌ای شاهنامه با نظریه‌های امروزی جنبش‌های اجتماعی و بر طبق الگوی نظریه زاهد (1377) تطابق وجود دارد؛ به عبارت دیگر فردوسی به‌عنوان یکی از نخبگان زمان خود، سازوکار یک جنبش اجتماعی را به خوبی و مطابق با آخرین ادراکات امروزی ما از جنبش اجتماعی در قالب ابیات سروده است.

**واژگان کلیدی:** جنبش‌های اجتماعی، شاهنامه، جنبش ایرانی کاوه، ضحاک، بازنمایی اجتماعی، محاکات.

## مقدمه و بیان مسئله

اسطوره‌ها، روایت‌های تاریخی و مقدس درباره خدایان، موجودات فوق بشری، وقایع شگفت‌آور تاریخی و اتفاقات دوردست هستند که کیفیت خلق جهان، انسان و نسبت خدایان با مخلوقات را توضیح می‌دهند. از کارکردهای اسطوره ایجاد و نگهداری هویت ملی و بهبود بخشیدن بین فرد، گروه و طبیعت و همچنین برقراری، توجیه و تثبیت آداب و سنن اجتماعی است (نصری، 1387: 151). اسطوره عموماً پاسخ به نیاز هستی‌شناسی و خودشناسی انسان کهن است و حماسه، آفریده و بازگوکننده دورانی است که انسان با شرایط محیطی و اجتماعی دیگری روبه‌روست و به شناخت عقلانی تری از آفاق و انفس رسیده است (آیدنلو، 1388: 25). فردوسی در شاهنامه اسطوره و تاریخ و حماسه را با هم درآمیخته و می‌توان شاهنامه را به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم کرد که بخش اول شاهنامه بخش اساطیری - پهلوانی آن است (نصری، 1387: 162).

فردوسی در شاهنامه به سبک خاصی جنبه‌های مختلف ابعاد زندگی انسان را مورد توجه قرار داده است. وی در قرن چهارم هجری مقارن با قرن دهم میلادی بعد از یاد و ستایش یزدان پاک، آشکارا خرد و خردگرایی و آگاهی را می‌ستاید و بر آن تأکید می‌کند. کوشش فردوسی بررسی ایجاد عدالت‌خواهی و مردم‌داری نزد شاهان بوده است. در همین راستا وی همیشه حاکمان را از ظلم کردن برخوردار داشته است و تأکید اصلی‌اش بر نیکی و عدالت در

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

برابر ظلم و تباهی است. اشعار شاهنامه که داستان‌هایی از فراز و نشیب زندگی اجتماعی انسان است به گونه‌ای حوادث را نقل می‌کند که گویی داستانی واقعی، در دنیایی حقیقی رخ داده است. وی توسعه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را از زمان هبوط انسان بر زمین به گونه‌ای توصیف کرده است که در کمال شگفتی با نظریه‌های امروزی جامعه‌شناسی هم‌خوانی دارد (بذرافکن و روحانی، 1389).

فردوسی آگاهی و خردمندی را از بزرگ‌ترین نیازهای بشر می‌داند و پیوسته از آن سخن به میان می‌آورد. پردازش داستان کاوه نیز از ذهن و اندیشه شاعر سرچشمه گرفته است. در جنبش کاوه و رویارویی کاوه با ضحاک نیز آنچه آشکار است، ایستادگی کاوه به همراه توده مردم ستم‌دیده در برابر ستم ضحاک است و شکل‌گرفتن جنبشی انقلابی به رهبری کاوه که در نقش رهبری آگاه و مبارز و شجاع، مردم را به مبارزه با جور ضحاک فرامی‌خواند. در این داستان، ضحاک پادشاهی ستمگر است که با دو مار بردوش، ستم بی‌حدی بر مردم ایران‌زمین روا می‌دارد و ماران را از مغز جوانان تغذیه و با سرکوب دانایان، آگاهی را سرکوب کرده و نادانان را با جادو و خرافه به خدمت گرفته است و مردم را با استعمار و استثمار به بند کشیده است. در این میان، رهبری آگاه باید تا مردم ترسان را به حرکت علیه ظلم فراخواند و با گردآوری مردم پایه ریز حرکتی جمعیتی شود تا حاکم ظالم را از سریر قدرت به زیر کشد. کاوه برای خون‌خواهی می‌آید؛ اما چون حاکم را آنقدر فرورفته در سیاهی و تباهی می‌بیند که مرام گفت‌وگو را نمی‌داند، پس پرچمی بر درفش کرده و مردم را به گرد خود جمع می‌کند تا بساط نظام حاکم و ظالم را برچینند و پادشاهی عادل را بر قدرت بنشانند که عدل و نیکی و مدارا را در رهبری مردم رعایت کند.

نمونه‌های این جنبش‌ها در تاریخ ملل جهان بسیار است؛ از آنجاکه از دیرباز ادبیات، همواره در پیوند با جامعه بوده است، در بسیاری از اشعار و داستان‌ها به این گونه از جنبش‌ها پرداخته شده است. تصویر فردوسی از زمان حاکمیت ضحاک که در آن راستی و حقیقت جرأت عرض اندام ندارد و ریاکاری و فریب در جامعه حاکم شده است، دانشمندان فرصت ابراز عقیده ندارند و در مقابل، انسان‌های فاسد و تبهکار جای فرهیختگان را گرفته‌اند؛ درحقیقت این داستان می‌تواند بیانگر اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان شاعر و

جایگاه نابسامان دانشمندان و فرزانشان و حاکمیت سفاکان و خون‌ریزان بر جامعه آن روزگار باشد.

داستان اسطوره‌ای ضحاک و کاوه در شاهنامه از بهترین نمونه‌هایی است که در قرن چهارم هجری سروده شده است. نکته شگفت‌آوری که این تحقیق به آن پرداخته است، تطابق این داستان با تبیین‌های امروزی جنبش‌های اجتماعی است. اگرچه در جنبش‌های پیشین آنچه موجب شورش مردم شده بیش از هرچیز، فقر و نابرابری‌های اجتماعی بوده است، در داستان ضحاک و کاوه، علاوه بر تأکید بر عدالت و عدالت‌ورزی و نکوهش ظلم و ستم، همچون نظریه‌های امروزی در مورد جنبش‌های اجتماعی، به مسئله فرهنگ و نخبگان و آگاهی نیز پرداخته شده است. شاعر با تصویرسازی این جنبش همانند یک جنبش واقعی، از یک سوی بیدادگران و ستمگران را متوجه این حقیقت می‌سازد که روش حکومت‌داری متکی به ظلم و ستم به زیردستان موجب زوال و نابودی مملکت و از بین رفتن صفات و اخلاق پسندیده می‌شود و از سویی دیگر از زبان کاوه فریاد برمی‌آورد و مردم را به مبارزه با سیاهی و بی‌عدالتی فرامی‌خواند و هشدار می‌دهد که نادانان به‌جای فرهیختگان، فرهنگ و خرد را خوار کرده و نادانی و حماقت و خرافات را جایگزین کرده‌اند و باید انجمن شده و بر این وضعیت بشورند.

بخش اولیه شاهنامه که بعدی اسطوره‌ای دارد و این اسطوره را در خود جای داده است و طبق قاعده می‌باید عنصر تخیل در آن قالب باشد، از عنصر خردورزی مشحون است و در واقع، نشان‌دهنده راهی خردمندانه در رویارویی با یک حکومت خودکامه است. از آنجاکه شکل‌گیری اسطوره با زندگی اجتماعی رابطه دارد و اسطوره‌ها شیوه تخیلی بیان دنیای اطراف ما هستند، به نحوی که فردوسی آن را پرداخته است، می‌توان گفت که شاهنامه فقط تخیل‌پردازی‌های شاعرانه قوم یا ملتی نبوده، بلکه شیوه زندگی اجتماعی و جریان‌های اجتماعی آن دوران را نشان می‌دهد. جنبش کاوه علیه ضحاک، داستان شورش مردم به آگاهی رسیده و خسته از ستم ضحاک است. در این میان، فردوسی به توده مردم و به‌خصوص نقش دهقانان توجه ویژه‌ای کرده است. «دهقان پیر»، «دهقان موبدنژاد»، «سختگوی دهقان» به‌وفور در شاهنامه آورده است. طبقه دهقان در زمان ساسانیان نفوذ بود

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

اما به دلیل ضعف ادارات دیوان در آن دوران، کم‌کم دچار انحطاط و آهسته‌آهسته این انحطاط به جایی رسید که دهقان با نام زارع و برزگر ساده و بی‌زمین مترادف گشت. در عین حال، احیای شعور ملی در عهد سامانیان به وسیله طبقه دهقان، که فردوسی خود نیز به آن تعلق داشت، جز به ندرت، همه‌جا با حفظ علاقه به آیین اسلام و سعی در ترویج آن همراه بود (زرین‌کوب، 1368: 228).

باختین در بررسی یک اثر ادبی از اندیشه ادبی چندآوایی ویژه‌ای سخن می‌گوید و در میان این جنبه‌ها، آگاهی انسان اندیشه‌گر و عرصه مکالمه در دل این آگاهی را در ردیف نخست قرار می‌دهد (باختین، 1390: 486). هدف این مقاله بازنمایی اجتماعی این داستان با نظریه‌های مطرح در جنبش‌های اجتماعی است؛ زیرا یکی از محورهای جامعه‌شناسی ادبیات تأکید بر این است که «در آفرینش هنری، یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست، بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است» (گلدمن، 1390: 9) تفکر جنبش‌های اجتماعی چه اصلاح‌طلب و چه انقلابی در دوران مدرن مطرح شده است؛ اما سرایش داستان کاوه و ضحاک توسط فردوسی در شاهنامه نشان‌دهنده این است که در تاریخ زندگی بشر همواره رویارویی بین خیر و شر، خرد و جادو، ستم‌گران و ستم‌دیدگان بوده و فردوسی به‌نوعی در داستان‌های خود آن‌را بازنمایی کرده است. جنبش‌های اجتماعی خصلت‌هایی چون: کنش جمعی بودن، هدفمند بودن، اصالت دادن به فرد و جمع و رابطه، دارای ایدئولوژی، مخالفت با وضعیت موجود و در برگیرنده عوامل انسجام‌بخش بین کنشگران دارد (زاهد، 1389). تطابق جنبش کاوه به‌عنوان یک جنبش اجتماعی اساطیری با نظریه‌های امروزی مورد توجه این پژوهش است.

### چارچوب مفهومی پژوهش

اسطوره، پنداشت‌های مشترک قوم و جماعتی است که در دوران معین درباره هستی و گیتی، مرد (انسان)، خویش و بیگانه و آفاق و انفس که به شکل داستان بازگو شده است. اسطوره تبلوری است از آرایش ذهنی در قالب زبان. هدف ذهن از پرداختن به این آرایه‌ها در نهایت، گونه‌ای خبر و پیام‌رسانی است (آیدنلو، 1389: 24).

«میت<sup>2</sup> یعنی افسانه، قصه، تاریخ مقدس میت تاریخ مقدس است که حکایت از راز آفرینش می‌کند و منشأ ازلی هر آیین، هر پندار و هر کرداری است که در زمان آغاز اساطیری یک‌بار برای همیشه به‌وقوع پیوسته و از آن پس به‌صورت نمونه درآمده است. یعنی نمونه‌ای که خط‌مشی انسان‌ها و مراسم آیینی و عبادی آن‌ها را تنظیم می‌کند و به آن‌ها اعتبار می‌بخشد» (شایگان، 1380: 103)

درحقیقت، روایت‌های اسطوره‌ای، آدمی را از طریق سلسله نسل‌ها به خاستگاه‌هایش پیوند می‌دهد؛ اما آداب و مناسکی که تصور می‌رود دورافتادگی آمیخته به گناه خاستگاه‌ها را از میان برمی‌دارد و التیام می‌بخشد، هم‌زمان فاصله فرد و خاستگاه‌هایش را بیشتر می‌کند (هابرماس<sup>3</sup>، 1984). لالانه معتقد است:

«اسطوره حکایتی موهوم و شگفت است که دارای منشأی مردمی و خارج از حوزه تعقل و تفکر است و در آن عاملانی که در زمره اشخاص نیستند و غالباً قوای طبیعت هستند به سیمای اشخاص نمودار می‌شوند و اعمال و ماجراهای شان معانی رمز دارند. اسطوره، حرکت یا کلامی است که واقعیات سرگذشت آدمی، جنسیت، بارداری، شباب، مرگ، رازآموزی را مرزبندی و گزارش می‌کند» (رستگارفسای، 1383: 81).

مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان نیز به اسطوره‌ها و اهمیت‌شان در سیر تمدن بشر آگاه بوده‌اند. چنانکه لوی اشتروس<sup>4</sup> بنیان‌گذار مکتب ساخت‌گرایی<sup>5</sup> در مردم‌شناسی، اساطیر را ساخت‌هایی مجرد و در تقابل با قصه‌های روایی و نمادهایی از تجربیات بشر در زندگی می‌انگارد. او معتقد است که همه ذهن‌های بشری همانند یکدیگرند و در شیوه‌هایی که در حل مسائل و مشکلات‌شان به‌کار می‌برند، این همانندی آشکار می‌گردد؛ بنابراین، اساطیر تولیداتی هم‌سان از اذهان هماننداند و همه یک ساخت واحد و مشترک دارند (اشتروس، 1385).

از آنجاکه جنبش‌های اجتماعی موجب بروز بخش مهمی از تغییر و تحولات زندگی بشر شده‌اند و اینکه در اسطوره‌ها مطرح می‌شوند، گواهی بر اهمیت حرکت‌های جمعی‌اند که برای تغییر ساختار شکل می‌گیرند. این کنش‌های جمعی امروزه به‌عنوان جنبش اجتماعی مطرح شده است. جنبش‌های اجتماعی در تمام طول تاریخ رخ داده است. اکثر آن‌ها جنبش‌های اصلاح‌طلبانه با اهداف خاص بوده‌اند (درسلر، 1388: 472).

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

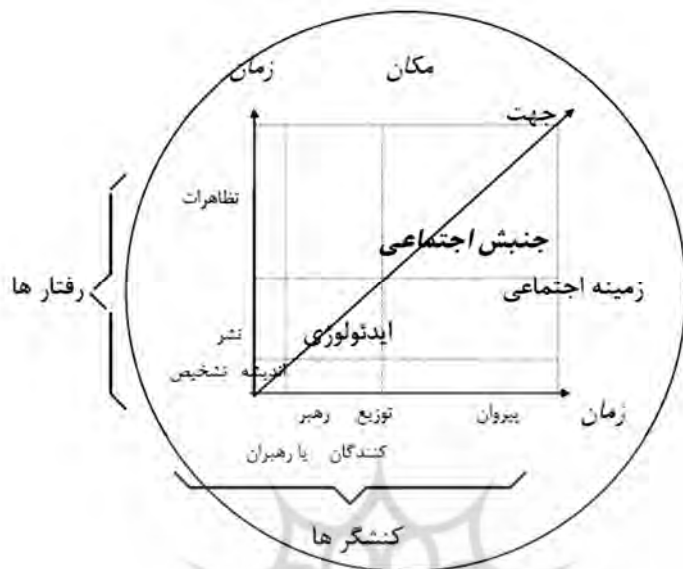
اصطلاح جنبش اجتماعی توسط سن سیمون<sup>6</sup> در اوایل قرن نوزدهم مطرح شد. سن سیمون اجتماع نخبگان علمی، روشنفکران و افراد ثروتمند و اشرافی را در پیدایش جنبش‌های اجتماعی مهم قلمداد می‌کند؛ زیرا معتقد است که این افراد در کنارهم، نظام اجتماعی را در حیطه عقلانی باز تنظیم می‌کنند. فیلسوفان و متفکرانی چون مارکس<sup>7</sup>، ویر<sup>8</sup> و سن سیمون، جنبش‌های اجتماعی را نمود دگرگونی ساختاری بنیادین می‌دانند. جنبش‌های اولیه برای دستیابی به زندگی بهتر چاره‌ای جز رودرویی با طبقه حاکم نداشتند و هدف‌شان براندازی حاکمان بوده و صرفاً ساختار سیاسی جامعه را هدف قرار می‌دادند و علیه مسائلی چون ظلم و ستم حاکمان، فقر و شکاف طبقاتی، استثمارشدن به پا خواسته و هدف‌شان بهبود وضع معیشتی و رهاشدن از استثمار بود. این جنبش‌ها یا سرکوب می‌شدند و یا تبدیل به انقلاب‌هایی شده و موجب دگرگونی عمیقی در جوامع می‌گردیدند. آنچه اندیشمندان تمدن مدرن درباره جنبش‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند، این حرکت‌ها را نیز شامل می‌شود. براساس نظریه‌های مدرن، جنبش‌های اجتماعی ویژگی‌هایی به نسبت مشترکی دارند. تاک و بلومر<sup>9</sup> از دیدگاه فردگرایی معتقدند جنبش‌های اجتماعی به علت «درخواست» مردم انگیزه یافته بر تحریک‌شده‌ای شکل گرفته و به وجود می‌آید که تلاش می‌کنند مسئله خود را با تکیه بر یک ایدئولوژی حل کنند. از سویی رابطه گراهایی مانند دیویس<sup>10</sup>، مک کارتی و زالد<sup>11</sup>، تیلی<sup>12</sup>، ویلسن<sup>13</sup> و ملوچی<sup>14</sup> معتقدند که جنبش‌های اجتماعی با تجهیز و بسیج ناراضیان از طریق یک حالت احساسی، اعتقادی، یا هویتی، یا به وسیله یک سازمان و یا ایدئولوژی اتفاق می‌افتد و همچنین در تفکرات جبرگرایی اجتماعی اسملسر<sup>15</sup>، تورن<sup>16</sup> و سکات<sup>17</sup> جنبش‌های اجتماعی به وسیله برخی شرایط اجتماعی، همچون بازنگری در هنجارها یا ارزش‌ها، فاصله در توسعه، تخصص طبقاتی فرهنگی، یا تخصص طبقاتی اجتماعی و یا سیاسی شکل می‌گیرد (زاهد، 1389). اشتراک تعاریف فوق را می‌توان در موارد زیر یافت: عمل جمعی بودن، اعتراض، داشتن ایدئولوژی و زمینه اجتماعی نامطلوب. انقلاب‌ها معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که در آن اقتدار حکومت قبلی به طور اساسی تحلیل رفته است. همه انقلاب‌ها متضمن عمل جمعی‌اند (گیدنز، 1376: 674).

سیدسعید زاهد با طرح یک نظریه ترکیبی درباره جنبش‌های اجتماعی و با تأکید به بُعد

هستی‌شناسانه جنبش‌های اجتماعی معتقد است که همه عوامل جنبش‌های اجتماعی (فرد، جمع و رابطه) در جای خودشان مهم هستند و در مورد هیچ‌یک از آنان نباید غفلت شود؛ در همین زمینه وی معتقد است که برای درک جنبش‌های اجتماعی نیاز به یک نگرش سیستمی داریم تا همه آنان را در نظر بگیرد و هر کدام را در جایگاه مؤثر خویش قرار دهد. زمینه اجتماعی، کنشگران، رفتارهای شان و ایدئولوژی هم به صورت جداگانه و هم براساس آثار خاص خودشان، روابط متقابل دارند. زمینه اجتماعی شرایط را ارائه می‌دهد و کنشگران آن را براساس رهنمودهای ایدئولوژی در راستای اهداف جنبش به کار می‌گیرند. هر جنبش اجتماعی محصول سطح عملکرد کنشگران، زمینه اجتماعی و ایدئولوژی آن است. توانایی یا ضعف، عملکرد خوب یا بد، ایفای نقش نمونه یا سوء رفتار هریک از عوامل یادشده تأثیر مستقیم در جریان و شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی دارد (زاهد، 1377).

ارتباط متقابل این ابعاد، بدین شکل صورت می‌گیرد: کنش‌گران جنبش‌های اجتماعی را با رفتار خویش در زمان به اجرا درمی‌آورند. ایدئولوژی کنش‌گران و رفتارشان را در راستای اهداف جنبش با توجه به امکانات و محدودیت‌های زمینه اجتماعی وحدت می‌بخشد. زمینه اجتماعی به عنوان یک میدان برای واقعیت‌بخشیدن و آماده‌کردن کنش‌گران و ایدئولوژی‌ها عمل می‌کند. در عین حال، زمینه اجتماعی خود با شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی تغییر می‌کند. وی بر همین اساس، مدلی از جنبش‌های اجتماعی طرح می‌کند که در آن براساس استراتژی واقع‌گرایی نظام جنبش‌های اجتماعی از زمینه اجتماعی نشأت می‌گیرد. رهبران اندیشه‌نوی (کوچک‌ترین چهارگوش شکل) را با توجه به زمینه اجتماعی آغاز می‌کنند و یک ایدئولوژی می‌سازند (چهارگوش متوسط شکل). این ایدئولوژی به هسته اولیه جنبش‌های اجتماعی معرفی می‌شود و اعضای آن حلقه از طریق ابزار توزیعی مانند سازمان‌ها، وسایل ارتباط جمعی، سخنرانی‌ها، و غیره به عنوان توزیع‌کنندگان ادای نقش می‌کنند. توده پیروان جنبش را (چهارگوش سوم شکل) به وسیله عمل‌شان به اجرا درمی‌آورند. به‌طور کلی، کنش‌گران با رفتار خود جنبش را در طول زمان با کمک انسجام و جهتی که توسط ایدئولوژی ایجاد و عرضه می‌گردد به وجود می‌آورند. زمینه اجتماعی به عنوان فضای موجد جنبش امکانات و محدودیت‌های خویش را ارائه می‌نماید (زاهد، 1389).





شکل 1. مدل جنبش‌های اجتماعی (منبع: زاهد، 1389)

بدین صورت، تحقیق حاضر با استفاده از نظریه ترکیبی زاهد می‌کوشد جنبش ایرانی کاوه را مورد مطالعه قرار دهد. در این مطالعه می‌خواهیم بدانیم آیا فردوسی در بیان این داستان اسطوره‌ای همه جوانب را مورد ملاحظه قرار داده است یا خیر.

### روش تحقیق

روشی که برای این پژوهش برگزیده شده است، روش کیفی است. تحقیق کیفی مبتنی بر روش‌شناسی تفسیری است و علت اصلی حدوث آن اعتقاد طرفداران آن به ضعف روش‌های اثباتی در بررسی پدیده‌های اجتماعی است (ازکیا، 1382: 295) تفسیرگرایی با تمرکز بر واقعیت فرهنگی، سعی بر تشریح چگونگی بسترسازی آن به وسیله مردم دارد. در این رویکرد، تعاملات انسانی ابتدا اجتماعی و ثانیاً با معنا هستند و این درک ذهنی از واقعیت برای زندگی انسان بسیار با اهمیت است. (ایمان، 1391: 79). برای بررسی پدیده‌های اجتماعی در ادبیات،

سه مسیر پژوهش عنوان شده است؛ نخست بررسی آثار ادبی از لحاظ چاپ و پخش و به‌ویژه دریافت یا پذیرش آثار ادبی که یک رویکرد پوزیتیویستی است و اساساً در روش تفسیری قرار نمی‌گیرد. دوم، بررسی برخی از جنبه‌های جزئی متون ادبی که اثر را به زندگی‌نامه نویسنده پیوند می‌دهد و رویکرد سوم که ساختارهای ذهنی را به‌صورت واقعیت‌های تجربی در نظر می‌گیرد، واقعیت‌هایی که گروه‌های اجتماعی و به‌ویژه طبقات اجتماعی، آن‌ها را در جریان تحول تاریخی پرورده‌اند. (پوینده، 1377: 54) در بررسی جامعه‌شناسی یک اثر ادبی به یک الگوی یک‌پارچه و منسجم و روشن نیاز است که کلیه جنبه‌های متعدد جهان اثر را که در چارچوب این الگو جای می‌گیرد نشان دهد، متن یک اثر اهمیت داشته و پدیده‌های گفتاری خصلتی بامعنا دارند (همان: 59) متن یک اثر ادبی منبعی است که جامعه‌شناسی برای بازنمایی پدیده‌های اجتماعی به آن رجوع می‌کند. درون‌فهمی، رجوع به موردها، بر ساخت واقعیت و به‌کارگیری متن به‌منزله داده تجربی و جوه مشترک انواع مواضع نظری کیفی‌اند. متن در تحقیق کیفی سه کارکرد دارد: نه‌تنها داده‌های اصلی تحقیق را که یافته‌ها بر آن متکی‌اند، فراهم می‌کند؛ بلکه تفسیر این داده‌ها نیز هست و درعین حال، وسیله و ابزار اصلی ارایه و انتقال یافته به‌شمار می‌آید (فلیک، 1387: 93).

در بازنمایی یک اثر ادبی چارچوبی تهیه می‌شود که می‌توان به‌وسیله آن، جهان متن را بازسازی و تفسیر کرد. «می‌مه‌سیس» یا محاکات، تکنیکی است در علوم اجتماعی، که از ادبیات وام گرفته شده است که به درک بیشتر علوم اجتماعی مبتنی بر متن کمک می‌کند (فلیک، 1387: 97). می‌مه‌سیس به انتقال جهان‌های طبیعی به جهان‌های نمادین اشاره دارد. بازنمایی روابط طبیعی یا اجتماعی در ادبیات یا متون دراماتیک یا بر صحنه نمایش است. فرد از طریق فرآیندهای می‌مه‌سیس خود را با جهان، شبیه‌سازی می‌کند. به‌هنگام به‌کارگیری می‌مه‌تیک در تحقیق کیفی و در متونی که در این قبیل پژوهش‌ها به‌کار گرفته می‌شوند، می‌توان وجوه زیر را مشاهده کرد: 1. در انتقال و تبدیل تجربه به روایت گزارش و جز این‌ها توسط افراد مورد مطالعه 2. در برساختن متن براساس تفسیر چنین برساخته‌ای توسط پژوهشگران؛ 3. و سرانجام به‌هنگام بازخورد این تفسیرها به زمینه‌های روزمره قرائت و فهم متون فرآیندی است که طی آن واقعیت به شکل فعالانه‌ای تولید می‌شود. این فرآیند نه فقط شامل نویسنده متن، بلکه کسانی که این متن‌ها برای آن‌ها نوشته شده است و آن‌هایی که

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

می‌خوانند نیز در برمی‌گیرد (فلیک، 1387: 95).

در بازنمایی یک اثر ادبی با توجه به زندگی‌نامه پدیدآورنده، تجربه‌های او و اثرش چارچوبی تهیه می‌شود که می‌توان به وسیله آن جهان متن را بازسازی و تفسیر کرد. در این پژوهش، متن اشعار فردوسی داده‌هایی است که در راستای پژوهش انتخاب شده و بر مبنای نظریه‌های هم‌راستا تفسیر خواهد شد. در واقع، متن شاهنامه به عنوان داده‌هایی دست اول قلمداد خواهند شد که به وسیله تکنیک می‌مسیس، مورد مکاشفه خواهد شد و با زبان نظریه‌های امروزی جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی بازنمایی می‌شود. شاهنامه مورد استناد در این پژوهش نیز که از متون آن استفاده خواهد شد، متن کامل شاهنامه بر اساس چاپ مسکوست که دکتر سعید حمیدیان تصحیح و نشر قطره در سال 1381 آن را منتشر کرده است.

### یافته‌های پژوهش

قرن چهارم قمری است که قبل از آن در ایران جنبش‌های دیگری نیز به وقوع پیوسته و بی‌گمان الهام‌بخش فردوسی در سرودن بوده است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت نظریه جنبش‌های اجتماعی فردوسی با توجه به تجربیات تاریخی گذشته شکل گرفته است. فردوسی توجه زیادی به عدالت و دادگری در شاهنامه دارد؛ چون در زمان او ظلم و بیداد در سرزمین ایران، فراگیر شده بود؛ بنابراین وی می‌کوشد که این بی‌عدالتی پادشاهان و سرانجام آن‌ها را در قالب شعر و در بخش‌های مختلف شاهنامه از جمله اسطوره‌ها بیان کند. در داستان ضحاک و کاوه او به شاهان اندرز می‌دهد که دادگری پیشه سازند و وقتی که شاهان به این پند خردمندانه گوش فرانداخته‌اند برای ریشه‌کن کردن آنان به «بسیج عمومی» متوسل می‌شود (رنجبر، 1363: 94).

زندگی فردوسی مقارن با دولت سامانیان بود. اوضاع ایران در این زمان، تأثیر زیادی در سروده‌های فردوسی داشته و در واقع، فردوسی در زمینه اجتماعی آن دوران شاهنامه را استادانه سرود و اثری همیشگی و قابل تأمل برای پژوهشگران آفرید. مبارزات آزادی خواهانه و بیداری ایرانیان که نشانه‌های بارز آن در جنبش‌های سیاه‌جامگان، خرم‌دینان و صفاریان در قرون دوم و سوم هـ. ق به وضوح آشکار است در قرن چهارم هجری ثمره داده و در این

قرن با فتح بغداد توسط احمد آل بویه تقریباً تمامی خاک ایران میان دو دولت بزرگ ایرانی آن روزگار، یعنی دیلمیان و سامانیان تقسیم می‌شود و نواحی مشرق و شمال شرق و آسیای میانه تحت تبعیت سامانیان درمی‌آید. با روی کار آمدن دو دولت ایرانی سنت‌ها و مراسم باستانی زنده می‌شوند. در واقع، شاهنامه فردوسی سرود رستاخیز ملتی است که یک‌بار دیگر خویش را بازیافته‌اند. (فلاح‌زاده، 1360)

بخش اساطیری شاهنامه با ماجرای آفرینش انسان و برگزیدن جامعه‌سالاری به نام کیومرث به حکم یزدان به‌عنوان پادشاه ایران زمین آغاز می‌شود و با تغییر و تحولات اجتماعی سرانجام به جمشید می‌رسد.

### 1. پادشاهی جمشید و تحولات آن

آغاز پادشاهی جمشید همراه با توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. در این عصر تقسیم کار اجتماعی به‌گونه‌ای که از زمان کیومرث آغاز شده بود، تکامل پیدا می‌کند و به اوج می‌رسد. جمشید توسعه اقتصادی جامعه خود را با ایجاد مشاغل جدید و ابداع شاخه‌های هنر، پزشکی، معماری، ریسندگی و بافندگی، دامپروری، صنایع نظامی و... ادامه می‌دهد؛ اما روند توسعه اجتماعی با ایجاد طبقات اجتماعی دگرگون می‌شود و مفاهیم تازه‌ای مانند طبقه، گروه و منزلت اجتماعی مطرح می‌شود؛ جامعه همچنان دو طبقه است: پادشاه رهبر جامعه است و ابزار تولید در دست دارد و رعیت نیروی تولید است؛ اما در درون رعیت، تقسیم‌بندی طبقات با توجه به نوع مشاغل، صورت می‌گیرد و منزلت اجتماعی هم بر همان اساس تعیین می‌شود و در نهایت، مردم به چهار طبقه روحانیان، سپاهیان، کشاورزان، صنعتگران تقسیم شدند. انگیزه جمشید از طبقه‌ای کردن جامعه، ایجاد نظم اجتماعی بود و در خلال آن نهادهای سازمان‌یافته دینی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی با کارکردهای خاص خود پدید آمدند. ایجاد طبقات اجتماعی از سویی باعث به‌وجود آمدن پایگاه و در پی آن منزلت اجتماعی شد و از سوی دیگر، افراد با پی‌بردن به جایگاه‌شان رفتارهای اجتماعی خود را تغییر داده و تعامل‌های اجتماعی دست‌خوش دگرگونی‌های بسیار شد و کم‌کم شکاف طبقاتی نمایان‌تر گشت (بذرافکن و روحانی، 1389).

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

## 2. شکل‌گیری استبداد و آغاز آشوب در قلمرو

در کنار موفقیت‌های چشمگیر اما جمشید مغرور می‌شود. در اثر غرور و افتادن در دام منیت به یک باره، آیین خودکامگی و استبداد، پیش می‌گیرد. جمشید معتمدان مردم را (مهان سالخورده) فراخوانده و آنان را با آوای خشن و سخنان درشت مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید جز من یزدانی وجود ندارد و باید مرا بخوانید و نیایش کنید. جمشید خود را برتر می‌پندارد و خود را صاحب مردم می‌داند و بدین‌سان راه استبداد در پیش گرفته و سرزمینش رو به شورش و اغتشاش می‌رود:

یکایک به تخت مهی بنگرید / به گیتی جز از خویشان را ندید  
منی کرد آن شاه یزدان شناس / ز یزدان بیچید و شد ناسپاس  
چنین گفت با سالخورده مهان / که جز خویشان را ندانم جهان  
چو این گفته شد، فر یزدان از اوی / بگشت و جهان پر شد از گفتگوی  
به جمشید بر تیره‌گون گشت روز / همی کاست آن فر گیتی‌فروز  
(121-123 و 134-135 از داستان جمشید)

## 3. آغاز پادشاهی ضحاک و گسترش ستمگری

استبداد جمشید باعث شد که مردم از او روی برگردانند و کشور جمشید رو به آشوب نهاد. مردم که از این هرج‌ومرج به ستوه آمده بودند؛ وعده‌های دروغ ضحاک را باور کرده و با اعتماد کردن به او جمشید را رها کرده و عنان جامعه را به دست ضحاک سپردند:

از آن پس برآمد ز ایران خروش / پدید آمد از هر سوی جنگ و جوش  
سیه گشت رخشنده روز سپید / گسستند پیوند، از جم شید  
سواران ایران همه راه جوی / نهادند یک سر به ضحاک روی  
به شاهی بر او آفرین، خواندند / و را شاه ایران زمین خواندند  
(331-338-339 از داستان جمشید)

چندی نگذشت که ضحاک بعد از دست یازیدن به خزانه‌های جمشید، چهره اصلی خود را نشان داد. ماردوش هر ظلمی به مردم رومی داشت. قتل، غارت، تجاوز به نوامیس مردم و کشتن جوانان ایران‌زمین برای تأمین غذای ماران (مارانی که از مغز آن جوانان تغذیه می‌کردند، پیچیده‌ترین و کامل‌ترین عضوی که قدرت تمیز و تفکر دارد)، نماد ظلم و بیدادگری ضحاک و دوران تاریک و سیاه اوست. ضحاک فرهیختگان را خوار کرده و جادوگران و نادانان را جایگزین آن‌ها کرد، کسی قدرت اعتراض علنی نداشت و حرف و حدیث‌ها و اعتراض‌ها فقط در بین مردم و آن‌هم به صورت بسیار مخفیانه بیان می‌شد. ضحاک نیز چون همه خودکامگان از آزادی بیان هراس داشت.

ضحاک در نمادشناسی اسطوره‌های ایرانی یکی از پایاترین و بغرنج‌ترین نمادهاست؛ نماد اهریمن و تاریکی. در شاهنامه نیز ضحاک با اهریمن پیوندی تنگ دارد (کزازی، 1370: 13).

چو ضحاک شد بر جهان شهریار/ برو سالیان انجمن شد هزار

سراسر زمانه بدو گشت باز/ برآمد برین روزگار دراز

شده بر بدی دست دیوان دراز / به نیکی نرفتی سخن جز به راز

(1- 4 از داستان ضحاک)

#### 4. آغاز آگاهی و شکل‌گیری جنبش اجتماعی کاوه

مردم ایران‌زمین از جور ضحاک به ستوه آمده بودند. جامعه ایران روزبه‌روز در انحطاط و بیدادگری ضحاک فرومی‌رفت؛ اما چون بین آن‌ها یک‌دستی و اتحاد و رهبری نبود، نمی‌توانستند بر ضحاک بشورند. فردوسی در اینجا از واژه «انجمن» که به معنای جمع‌بودن و اتحاد است، استفاده کرده و می‌گوید مردم چون «انجمن» نبودند، نمی‌توانستند به «روشنایی ایزدی» دست یازند. روشنایی ایزدی در کلام فردوسی رسیدن به آزادی و عدالتی است که ایزد به مردمان عطا کرده است و دیوان از مردم آن را ستانده بودند. کاوه در اساطیر ایران، چهره اساطیری است که رهبری جنبش اجتماعی برعهده می‌گیرد. حضور کاوه در شاهنامه کوتاه اما صاعقه‌وار است و برای این آمده که بر ظلم اعتراض کند و توصیف فردوسی از بانگ کاوه نشان از مهابت و شکوه اعتراض دارد که صراحت و شجاعتش خاص رهبری مقتدر است.

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

یکی بی‌زیان مرد آهنگرم / ز شاه آتش آید همی بر سرم  
خروشید و زد دست بر سر ز شاه / که شاهانم کاوه دادخواه  
(397-398 از داستان ضحاک)

از طرفی ضحاک بعد از بخشیدن پسر کاوه از وی می‌خواهد در گواهی دادن بر دادگری او با وی سازش کند؛ اما کاوه برمی‌آشوبد و چنین ننگی را قبول نمی‌کند و این انگیزه او را برای دعوت عمومی برای شورش جمعی علیه ستم ضحاک قوی‌تر می‌کند.

بدو باز دادند فرزند او / به‌خوبی بجستند پیوند او  
بفرمود پس کاوه را پادشا / که باشد بران محضر اندر گوا  
چو برخواند کاوه همه محضرش / سبک سوی پیران آن کشورش  
خروشید کای پای مردان دیو / بریده دل از توس گیهان خدیو  
همه سوی دوزخ نهادید روی / سپردید دلها به گفتار اوی  
نباشم بدین محضر اندر گوا / نه هرگز براندیشم از پادشا  
خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای  
گرانمایه فرزند او پیش اوی / ز ایوان برون شد خروشان به کوی  
(421-428 از داستان ضحاک)

بر اساس چارچوب نظری تحقیق هر جنبشی در زمینه اجتماعی خاصی اتفاق می‌افتد. در واقع، زمینه اجتماعی به‌عنوان فضای موجد جنبش، امکانات و محدودیت‌های خویش را ارائه می‌کند. در جنبش کاوه بر این اساس می‌توان گفت که:

**الف) زمینه جنبش:** زمینه جنبش کاوه وضعیت اجتماعی و سیاسی‌ای بوده که از زمان پادشاهی جمشید به‌وجود آمده بود. زمینه‌ای که در آن توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و طبقاتی شدن جامعه باعث بروز شکاف در بین مردم شده و طبقات بالا و پایین به‌وجود آمده بود. عملکرد نامطلوب و میل به استبداد جمشید باعث به‌وجود آمدن نارضایتی در بین مردم شده بود و زمینه تغییر شاه فراهم شده بود. مردم به امید بهتر شدن اوضاع جامعه به ضحاک، که

درواقع یک دشمن خارجی محسوب می‌شد، رو آورده بودند؛ اما آنچه اتفاق می‌افتد اوضاع را به سمت سیاهی و تاریکی بیشتر سوق می‌دهد. توصیف فردوسی از ضحاک، نمونه‌ای از یک پادشاه خودکامه ظالم است که جامعه را به تدریج در یک وحشت عمیق و تلخ فروبرده است. او علاوه بر این که بسیار بیدادگر است، بنیادهای فرهنگی جامعه را نیز هدف قرار داده است. دانایان را از بین برده و با جایگزین کردن جادوگران و خرافات می‌کوشد ناآگاهی و از خودبیگانگی و وحشت را در بین مردم پایدار سازد و بدین طریق حکومت خویش را مستحکم کند. ضحاک خصوصیات یک سلطه‌جو را داشته است. شوستر<sup>18</sup> روش زندگی انسان سلطه‌جو را شامل چهارمرحله فریب، ناآگاهی، کنترل و بدگمانی می‌داند که در برابر شرافت، آگاهی، آزادی و اعتماد قرار دارد. انسان سلطه‌جو از حيله‌ها و فنونی استفاده می‌کند و احساساتی که ابراز می‌دارد از روی اندیشه و تعمق و متناسب با موقعیت انتخاب شده است و از وقایع مهم زندگی بی‌خبر بوده و تمایل به کنترل دیگران دارد و اصولاً نسبت به خود و دیگران بدبین است (شوستر، 1387). به هر حال باتوجه به خصوصیت روانی ضحاک، ویژگی‌های بارز اجتماعی که به‌طور کلی سازنده زمینه اجتماعی آن روزگار بوده است را می‌توان چنین نام برد:

1. اختلاف طبقاتی: جامعه، کاملاً طبقاتی شده بود و جادوگران ارجمندترین طبقه شده بودند و بر جان و مال مردم دست‌درازی می‌کردند؛ (انحطاط اقتصادی).
2. نارضایتی عمومی روزافزون: به دلیل ظلم و ستم ضحاک و اطرافیانش؛ (انحطاط سیاسی).
3. انحرافات اجتماعی و فرهنگی: دوری از ادب و فرهیختگان و خردورزان. (انحطاط فرهنگی).

نهان گشت آیین فرزندگان / پراکنده شد کام دیوانگان

هنر خوار شد جادوئی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

(2-3 از داستان ضحاک)

در میان وحشتی که ضحاک به وجود آورده بود، کاوه آهنگر کسی است که به دربار او آمده و با شجاعت از ضحاک می‌خواهد که از خون آخرین پسرش درگذرد. ضحاک چون داستان



جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

کاوه و ازدست دادن هفده پسرش را می‌شنود که قربانی امیال او شده‌اند از خون فرزند هیجدهم می‌گذرد؛ اما نقشه شومی دارد؛ این‌که با این بخشش، چهره مهربانی از خود نشان دهد؛ بنابراین فرمان داد تا آخرین پسر کاوه را از بند رها کردند. آن‌گاه ضحاک به او می‌گوید اکنون که بزرگواری ما را دیدی باید در نامه‌ای بر دادگری و نیک‌اندیشی ما گواهی دهی. کاوه چون نامه را دید، آشفته و فریاد برآورد: چگونه می‌توان بر ستمگری اهریمن گواهی دادگری داد؟ و من این اهریمن را دادگر نخواهم خواند و بدین‌سان مردم را به مبارزه با ضحاک فراخواند.

کاوه آهنگر با مطرح کردن خواسته‌اش نزد ضحاک باعث شکسته‌شدن افسانه هراس‌انگیزی ضحاک می‌شود. در داستان ضحاک، کاوه آهنگر به طبقه کارگر تعلق دارد که می‌تواند نماینده نقشی که طبقات عامه - خصوصاً صنعتگران و کشاورزان - در انتخاب فرمان‌روایان محلی داشته‌اند - و در داستان هردوت درباب دیوکس هم جلوه‌ی از آن می‌توان باز یافت، باشد (زرین‌کوب، 1368: 42). کاوه به دلیل نترسیدن از سنگ‌دلی و قدرت ضحاک و شجاعت راه‌انداختن جرعه‌های یک شورش اولین خصوصیت رهبر جنبش را دارد.

**ب) شکل‌گیری جنبش و نمادها:** از آنجاکه زمینه عمل جمعی از قبل آماده بود، احساس نیاز به رهبری، برای اینکه جنبشی علیه ضحاک شروع شود، به وجود آمد. حرکت او تقابل در زمینه اجتماعی مستعد را ایجاد می‌کند. تصمیم به مبارزه برای دادخواهی (تشخیص اندیشه توسط رهبر) گرفت. او نیاز به همراهی مردم داشت؛ بنابراین از چرم آهنگری‌اش درفشی ساخت و در بازار به میان مردم رفت و آن‌ها را برای مبارزه با ضحاک فراخواند. درفش کاویانی نمادی (نماد اعتراضی) بود که مردم به گرد آن جمع شدند. در این میان، آنچه مردم را در این جنبش، همراه کاوه کرد، هدف مشترک تغییر حکومت سیاسی و به پادشاهی رساندن فریدون، پادشاهی است که از ظلم به دور و به عدالت نزدیک بود (ایدئولوژی جنبش) که این جنبش توسط بازاریان و یاران اصلی‌اش، نظیر فریدون، توزیع‌گران ایدئولوژی) گسترش یافت.

از آن چرم کاهنگران پشت پای / بپوشند هنگام زخم‌درای  
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد / همانگه ز بازار برخاست گرد

کسی کو هوای فریدون کند / سر از بند ضحاک بیرون کند  
(454-456 از داستان ضحاک)

سرانجام کاوه لشکری از مردم (پیروان جنبش) گرد خود جمع کرده و بر ضحاک می‌شورند (پیروان جنبش با اعمال تظاهرات). فریدون نیز با او هم‌داستان شده و بر ضحاک چیره شده و بر تخت پادشاهی می‌نشیند. بدین طریق هرچند در آغاز، خودکامگی جمشید باعث بروز یک اندیشه انقلابی در مردم می‌شود و ضحاک به پادشاهی می‌رسد. اما خودکامگی و ستم او بسیار شدیدتر و پیچیده‌تر از جمشید است و سبب تقابل کاوه و سرانجام دست یافتن به نوعی خرد جمعی و آگاهی اجتماعی می‌شود.

**ج) پیروزی جنبش:** وقتی فریدون به کاوه می‌پیوندد با یزدان جهان‌آفرین، نیایش و رازونیز کرده و هدفش را برای او بازگو می‌کند و از او یاری می‌خواهد که این نشان دهنده ایدئولوژی عدالت‌خواهی و یکتاپرستی در این جنبش است. در این ایدئولوژی اعتقاد به مؤثر دانستن خداوند در امور اجتماعی و سیاسی نیز به‌وضوح آشکار است. به‌طور کلی در روایات اساطیری ایران تقابل دوگانه نیک و بد و یا به تعبیر یکی از شاهنامه‌پژوهان «ستیز ناسازهاست» (آیدنلو، 1388: 32). این تقابل اغلب به خیر و نیکی تمام می‌شود و پیشرفتی در جامعه به‌دست می‌آید.

به بند اندرست آنکه ناپاک بود / جهان را ز کردار او باک بود  
شما دیر مانید و خرم بوید / به رامش سوی ورزش خود شوید  
برفتند با رامش و خواسته / همه دل به فرمانش آراسته  
فریدون فرزانه بنواختشان / براندازه بر پایگه ساختشان  
همی پندشان داد و کرد آفرین / همی یاد کرد از جهان آفرین  
همی گفت کاین جایگاه منست / به نیک اختر بومتان روشنست  
(976-981 از داستان ضحاک)

### جدول شماره 1 ویژگی‌های

هدف جنبش	شکل اعتراض	پیروان	توزیع گران ایدئولوژی	رهبری	زمینه جنبش
تغییر حاکمیت سیاسی	تظاهرات	مردم عادی	1. بازاریان؛ 2. فریدون؛ 3. خردمندان و فرهیختگان.	کاوه به‌عنوان رهبر اصلی و فریدون به‌عنوان رهبر فرعی	1. شکاف طبقاتی؛ 2. افزایش انحرافات اجتماعی و فرهنگی؛ 3. نارضایتی عمومی.
			نظام اعتقادی	نماد جنبش	شبکه ارتباط
			یکتاپرستی و مؤثر دانستن خداوند در امور ضمن حرکت و نه سکون انسان.	درفش کاویان	شبکه اجتماعی مردم عادی و بازاریان

### نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی ادبیات، نشان‌دهنده پیوند میان جامعه و ادبیات، و منعکس‌کننده مباحث اجتماعی گسترده‌ای است که می‌توان آن را در میان شعرهای هر دوره جست‌وجو کرد. اگرچه فردوسی در شاهنامه به کاربرد این مفاهیم اولیه با نگاه جامعه‌شناسانه نپرداخته، ظرافت نگاهش نشان می‌دهد که روند زندگی اجتماعی را در نظر داشته و گام به‌گام این روند را در دوره‌های مختلف توصیف کرده و سیر شکل‌گیری جامعه ایران را به‌خوبی در قالب شعر نمایانده است؛ به‌عبارت دیگر، دریافت درستی از پدیده‌های اجتماعی داشته و دریافت او با آخرین نظریات جامعه‌شناختی امروز هم‌خوانی دارد.

میل به خودکامگی جمشید و استبداد او از یک‌سو و شرارت و خودکامگی همراه با ظلم و تعدی به حقوق مردم در ضحاک زمینه‌ساز جنبش مردم علیه پادشاه ظالم شده است. اگرچه از زمان فردوسی نظریه‌های اجتماعی مدونی گزارش نشده است، توصیف قیام کاوه علیه ضحاک، تطابق حیرت‌آوری با آخرین دریافت‌های ما از جنبش‌های اجتماعی در علوم اجتماعی و سیاسی زمان حاضر دارد.

جنبش‌های اجتماعی بنا به تعریف «یک رفتار جمعی سازمان‌یافته و آگاهانه‌ای است که براساس اندیشه‌ای (عقیده‌ای، منفعتی، خواستی، یا هدفی) جدید، به‌وسیله گروهی از

کنش‌گران، با استفاده از امکانات و محدودیت‌های اجتماعی، علیه نظم موجود یک زمینه اجتماعی خاص بسیج شده باشند» (زاهد، 1377: 273). در داستان کاوه و ضحاک، عناصر این تعریف به خوبی، توصیف شده است. فردوسی در توصیف زمینه اجتماعی که منجر به جنبش شده است نه تنها ظلم و ستم و فقر و نابرابری را در نظر گرفته است، بلکه به مسایلی مانند ضروری و قلع و قمع شدن فرهیختگان، خوارشدن هنر و خرد و رواج ابتذال و جادوگری، شکنجه و ایجاد رعب و وحشت برای مردم و... اشاره کرده است.

کاوه که از طبقه عامه مردم و فرودست جامعه است با رسیدن به آگاهی علیه ضحاک طغیان می‌کند و رهبری آنان را به دست می‌گیرد. برای گردآوری مردم (انجمن) با نماد درفش کاویان به بازار، که یک مکان عمومی است، رفته و مردم را برای «یک کنش جمعی» دعوت می‌کند. دعوت کاوه از مردم، یک حرکت آگاهانه علیه ظلم ضحاک رقم می‌زند که با «هدف» به قدرت رساندن فریدون برای رهایی از ظلم ضحاک است. مردمی که گرد کاوه جمع می‌شوند «کنش‌گرانی» هستند که با استفاده از «امکانات و محدودیت‌های اجتماعی» علیه حکومت ضحاک «نظم موجود» و یک نظام خودکامه «بسیج» شده‌اند. همچنین عنصر رهبری (کاوه) و ایدئولوژی (عدالت‌خواهی با تأییدات الهی) نیز در این جنبش دیده می‌شود. از آنجاکه ادبیات تحت‌تأثیر زمینه اجتماعی بوده و از آن نشأت می‌گیرد، می‌توان گفت که فردوسی شاعری است که این‌گونه از آگاهی‌ها در سطح جامعه فرهیختگان زمان خویش را به‌خوبی درک کرده و در آن در اثر حماسی خویش به آگاهی عمومی مبدل کرده است.

در تاریخ معاصر، اشکال گوناگون اعتراض به شیوه‌های مختلف در گوشه و کنار جهان با اهداف گوناگون ظهور کرده‌اند که عناصر اصلی این حرکت‌ها شباهت‌های زیادی با این اسطوره‌ها دارد. اساساً در طول تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری، با گذر زمان و تغییراتی که در محیط اجتماعی و نگرش‌های فکری و فرهنگی انسان پدید آمده است، اسطوره‌ها هرگز به‌طور کامل نمرده و فراموش نشده‌اند، بلکه ماندگاری و بازتاب آن‌ها به صورت‌های دیگر بوده است. یکی از این انواع و حتی مهم‌ترین و بهترین ساخت، حفظ و تجلی آن‌ها حماسه و داستان‌های حماسی بوده است. زندگی اجتماعی بشر همچون داستان‌واره‌ای سرشار از حوادث و رویدادهایی است که در همه زمان‌ها و در همه جوامع، خواه ساده و خواه پیچیده، رخ داده است. تاریخ زندگی اجتماعی بشر از آغاز تا امروز در تقابل حق و باطل مسیری پرفراز و

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

نشیب را طی کرده است و ابعادی همه‌جانبه دارد. انسان‌های پاک‌نهاد، همواره در جست‌وجوی عدالت و آزادی و رسیدن به کمال بوده‌اند و به مقابله با دیوصفتان ناپاک پرداخته‌اند. جنبش‌های اجتماعی یکی از راه‌هایی است که وقتی جامعه انسانی روبه افول می‌گذارد، فعال شده، حیات مجدد به جوامع بازمی‌گرداند.

### پی‌نوشت‌ها

1. Mimesis
2. Myth
3. Habermas
4. Lévi-Strauss
5. Structuralism
6. Saint-simon
7. Marx
8. Weber
9. Toch & Blumer
10. Davies
11. McCarthy & Zald
12. Tilly
13. Wilson
14. Melucci
15. Smelser
16. Touraine
17. Scott
18. Shostrom



### منابع

- آیدانلو، سجاد (1388). *از اسطوره تا حماسه: هفت گفتار در شاهنامه‌پژوهی*، تهران: سخن.
- اشتراوس، کلودلویی (1385). *اسطوره و معنا*، ترجم شهرام خسروی، تهران: نشر مرکز.
- ایمان، محمدتقی (1391) *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بذرافکن، مهتا و علی روحانی (1389). «بازنمایی اجتماعی در شاهنامه فردوسی (بررسی سیر شکل‌گیری و دگرگونی جامعه ایرانی در شاهنامه فردوسی)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال یازدهم، شماره 44، صص: 49-77.

- بهار، مهرداد (1381). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگه.
- پوینده، محمدجعفر (1390). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: نقش جهان مهر.
- تیلی، چارلز (1389). جنبش‌های اجتماعی 1768-2004، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: دانشگاه امام رضا.
- حصوری، علی (1388). سرنوشت یک دشمن، از ضحاک به اودن، تهران: نشر چشمه.
- درسلر، دیوید و ویلیس ویلیام (1388). جامعه‌شناسی «بررسی تعامل‌ها»، ترجمه مهرداد هوشمند و غلامرضا رشیدی، تهران: اطلاعات.
- دلاپورتا، دوناتلا و ماریو دیانی (1390). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- رستگار فسایی، منصور (1383). پیکرگردان در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رزمجو، حسین (1368). انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران: امیرکبیر.
- رنجبر، احمد (1363). جاذبه‌های فکری فردوسی، تهران: امیرکبیر.
- زاهد زاهدانی، سعید (1377). «نظریه‌ای ترکیبی در مورد جنبش‌های اجتماعی»، مجله فرهنگ، شماره 27 و 28، صص: 245-272.
- زاهد زاهدانی، سعید (1389). جنبش‌های سیاسی معاصر ایران، تهران: کتاب طه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1368). تاریخ مردم ایران، تهران: امیرکبیر.
- شایگان، داریوش (1380). افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار، فاطمه ولیانی، تهران: فرزانه روز.
- شوستر، اورت (1387). روان‌شناسی انسان سلطه‌جو مترجم: قاسم قاضی و غلامعلی سرمد تهران: قطره.
- فردوسی، ابوالقاسم (1376). شاهنامه فردوسی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- فلاح‌زاده، مجید (1360). «سیر تاریخی - سیاسی زرتشت اسطوره‌نمایشی سیاوش (در قرن چهارم هجری (دهم میلادی))» مجله چیستا، شماره 4، صص: 386-395.

جنبش‌های اجتماعی در اساطیر ایرانی مورد ... \_\_\_\_\_ سید سعید زاهد زاهدانی و همکار

- فلیک، اووه (1387). درآمدی به تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کزازی، میرجلال‌الدین (1370). مازهای راز: جستارهایی در شاهنامه، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (1386). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- هابرماس، یورگن (1984). «درهم‌تنیدگی اسطوره و روشنگری»، ترجمه علی مرتضویان، فصلنامه ارغنون، شماره 11 و 12، صص: 291-316.
- نصری، قدیر (1387). مبانی هویت ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی و تمدن ایرانی.
- واگو، استفان (1373). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، ترجمه احمدرضا غروی‌زاد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- Dentice, Dianne and James Williams (2008). *Social Movements: Contemporary Perspectives*, Cambridge: Cambridge University press.
- Diani, Mario and Ivano Bison (2004). "Organizations, Coalitions, and Movements", *Theory and Society*, Vol. 33, No, 3/4, pp. 281-309.
- Killian; Lewis (1967) *Social Movements*. In Robert. E. L. Faris (ed) , *Handbook Of Modern Sociology*, Chicago: Rand McNally
- Popenoe, David (1971) *Sociology*, Newyork: Ballantine

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی